



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱۰/۲۸

میر عبدالواحد سادات

اثر ارزشمند پیرامون نخستین قانون اساسی افغانستان

به تعقیب نشر دیجیتالی نخستین قانون اساسی بمناسبت صدمین سال احراز استقلال ، به همت حقوقدان سابقه دار جناب آسمایی ، اکنون ایشان کتاب پر ارزش (د افغانستان لومړنی اساسی قانون ته یوه کتنه) تألیف روانشاد قانونپوه داکتر محمد طاهر بورگی حقوقدان شهیرکشوررادیجیتالی ، آماده نشر در کلهکشان انترنیت ساخته است . از دید این قلم پرداختن به معرفی هر چه گسترده تر نخستین قانون اساسی بدلائل فراوان حایز اهمیت اصولی و استثنایی میباشد و چه نیکو که فرهنگی نستوه و فرهیخته اسمایی گرانقدر این مهم را در صد سالگی استرداد استقلال انجام میدهد .

اولین بعد اهمیت موضوع در احوال جاری ازین حقیقت تلخ ناشی میگردد که:

پاشنه اشیل افغانستان کماکان فقدان دولت مقتدر ملی و حاکمیت قانون میباشد و متأسفانه همچنان دشمنان تجدد و ترقی ، با قانون و حاکمیت ان خصومت میورزند و در راستای استقرار شریعت شمشیر میزنند و یا به بیان واضح تر اخلاف ملای لنگ و حبیب اله کلکانی مشروعه میخوانند و مشروطه را مردود و قانون راسوغات غرب میخوانند . مبرهن است که ، حل و فصل این منازعه تاریخی بدون پرداختن به ابعاد نظری موضوع و درک دقیق و همجانبه از ضرورت دولت ملی قانون محور و عدالت گستر میسر نمیگردد .

قانون و حاکمیت ان در واقع راه گذار به مدنیت میباشد و در جهان معاصر حاکمیت قانون پل وصل با جهان متمدن میباشد و افغانستان با تاسیس نخستین دولت ملی که با انفاذ اولین قانون اساسی تعریف میگردد ، بر هبری دوکتور حقوق شاه امان اله ، این پل وصل تاریخی را بنا نهاد .

متأسفانه بعد از سقوط نهضت امانی برای سالیان متوالی و تا ختم حاکمیت خانواده " مصاحبان " بنابر کینه روزی با شاه امان اله و نهضت مترقی امانی زمینه های معرفی و پرداختن به نخستین دولت ملی و ارزشهای متعالی اولین قانون اساسی افغانستان ، بسیار محدود بود و این تعصب سایه تاریک را در شناخت نسل های بعدی و جنبش های روشنفکری بوجود آورد که عواقب دردناک ان تا اکنون محسوس است .

در سیر و تطور تاریخ تکامل موسسه دولت در افغانستان ، اساسگذاری نخستین دولت ملی بر مبنای قانون اساسی میتواند بحیث موضوع تحقیق و تحقیق پژوهشگران قرار گیرد ، آنچه در اصول و در تجربه جهانی بحساب (دولت - ملت و ملت - دولت) مطرح است و با قرارداد وستفاليا (۱۶۴۸ م) معیار های دولت ملی را معرفی مینماید ، در افغانستان در وجود نخستین قانون اساسی مسجل گردید .

البته زمینه های تاریخی و ذهنی ان با ریفورمهای امیر شیر علیخان و بعد از شمس النهار و طی مشروطیت اول و دوم و اندیشه های سراج الاخبار برهبری ازادخواه بزرگ محمود طرزی میسر گردید . درین ارتباط تلاش پر اسرار امیر عبد الرحمن که با خون و آهن منجر به استقرار دولت مقتدر مرکزی و دوره ارام سلطنت امیر حبیب اله و پیاده نمودن یکتعداد ریفورمها زمینه های عینی گذار به دولت ملی را مساعدت نمود. بدینرو در تاریخ افغانستان دوکتور حقوق شاه امان اله نه تنها محصل استقلال سیاسی و بانی نهضت مترقی و تجددخواهی امانیه و همچنان اساسگذار نخستین قانون و مبتنی بر ان اولین دولت ملی در تاریخ ما میباشد. مطالعه این اثر مستند و مستدل خواننده درک مینماید که در بحث پردل گذار از مطلقیت و مشروط ساختن اختیارات لامحدود حکام ، که راه را بسوی مشروطیت هموار نماید ، ضرورت انفاذ قانون مطرح میگردد تا در وجود قانون حدود اختیارات حاکم و هم حقوق

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

اساسی اتباع تعریف و تسجیل گردد و قانون اساسی جایگاه قدرت را مشخص و مهار ساخته و قوه های متشکله دولت را تعریف نماید . چنانچه ارسطو قانون اساسی را تبیین کننده جایگاه دستگاه های دولتی میدانست .
قانون اساسی معرف هویت ملی و بازتاب ارزشهای متعالی استقلال ، حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی ، بیرق ملی و ... میباشد که راه را برای تعریف ملت شدن مساعد میسازد .

بدینترتیب تصویب قانون اساسی حد فاصل با فکر قرون وسطایی و حاکمیت مستبدانه فردی و خانوادگی میباشد که در مبارزه تاریخی علم و جهل و جدل تاریخی سنت و تجدد ، جایگاه مردم را از موقف رعایا و رعیت بسوی شهروند شدن تعریف میکند که قانون حامی ان همچنان شهروند آگاه بحقوق خود پاسدار قانون میباشد .
برای نسل جوان و بزرگ شده در سالهای فقدان دولت و قانون ، بسیار جالب خواهد بود که افغانستان حدود يك قرن قبل با انفاذ قانون اساسی و تاسیس دولت ملی در ردیف کشور های پیشتاز قاره اسیا قرار میگردد و حتی از لحاظ محتوی بر قانون اساسی ایران انوقت ارزشهای متمدن تر داشت و در طرح اولی قانون اساسی چنانچه در صفا ششم این کتاب میخوانیم ، قید مذهب وجود نداشت و در واقع بخاطر درج بودن مذهب رسمی در قانون اساسی ایران ، مذهب حنفی را در قانون قید نمودند .

کتاب مورد بحث ما ، در سال (۱۹۹۵ م) از طرف (د ازاد افغانستان د لیکوالو تولنه) به زبان پشتو بنشر رسیده است که در یکصدوپانده صفا و بداخل ده فصل منطبق به عناوین نظامنامه اساسی :
مقدمه ، حقوق اتباع افغانستان ، وزیران ، مأمورین ، شورای مشوره و شورای دولت ، محاکم ، دیوان عالی ، امور مالی ، اداره ولایات و احکام متفرقة ، تمام موارد و احکام قانون اساسی را مورد بحث و معرفی قرار داده است .
انچه اهمیت کتاب را مشخص و در ردیف ماخذ معتبر قرار میدهد ، رعایت اصول تدقیق و تحقیق و ذکر دقیق ماخذ با اعتبار از مورخان نامدار ، جامعه شناسان و حقوقدانان است که تا بیست اثر را بشیوه تحقیقی در صفحات (۱۱۳ و ۱۱۴) درج نموده است .

مطالعه این اثر بما کمک مینماید تا با اصول اساسگذاری اساسات دولت مدرن در شرایط يك قرن قبل در افغانستان آشنا گردیم که چگونه قانون اساسی برای اولین با نوعی تفکیک و تعریف ابتدایی از ارکان ثلاثه دولت مینماید و برای نخستین بار محاکم بشکل ثلاثه و ازاد تعریف (صفحات : ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۲ و ۸۵) و قدرت و اداره دولتی در وجود وزیران و مأمورین و مرکز و ولایات (صفحات ۴۳ و ۴۹) ، بلدییه ها (شاروالی ها) ، (صفا ۹۹) تنظیم امور مالییه و تنظیم بودجه (صفا ۸۸) و شورای دولت و مجلس مشوره (صفحات ۶۷ و ۵۲) توضیح گردیده است .

این اثر سودمند بیان میدارد که چگونه واضعان قانون اساسی در احوال یکصده قبل ، توانسته اند ، اصول قانونگذاری را رعایت و موارد تخنیکی تشریح و تفسیر قانون ، تعدیل قانون و حالات استثنایی منجمله برقراری حکومت نظامی را مسجل نموده اند .

از طریق مطالعه این کتاب میتوان به ارزشهای والای آشنا گردید که نخستین قانون اساسی بمردم افغانستان به ارمغان آورده است :

تعریف از ازادی و انواع ان ، لغو بیگار (صفا ۳۷) لغو کنیز و مصادره (صفا ۴۷) ، ازادی مطبوعات و تنظیم قانون ان (صفا ۳۳ و ۳۸) و ...

بدینترتیب بدقت متوجه میشویم که نخستین قانون اساسی افغانستان نه تنها ارمانهای مدرنیته و متری را بازتاب داده است و در عین حال با روح دین مقدس اسلام و جوهر ان که عدالت میباشد ، تطابق کامل داشته است .
البته این امتزاج خلاق محصول دانش و تجربه بزرگان وارد در علوم دینی ، بشمول بزرگترین و متبحرترین علمای دین و فرزندگان آگاه از مسایل دنیایی و معاصر غرب میباشد .

بنابر درک دقیق از عقب مانی جامعه و عدم درک درست از افاده قانون ، چنانچه در صفا (۱۴) این کتاب میخوانیم ، آگاهانه افاده نظامنامه بر گزیده میشود .

اینکه شرارت پیشه گان همانند ملای لنگ که در يك دست قران کریم و بدست دیگر قانون اساسی را گرفته و از مردم سنتی پکتیا سوال میکرد که:

کدام را قبول دارید ؟

اشکارا دسیسه استعمار انگلیس و به اساس فیصله مدرسه دیوبند انجام یافته است .

از مطالعه این کتاب خواننده متوجه میگردد که شاه امان اله برخلاف تصور عام ، جوان بی تجربه و ناوارد نبوده و چنانچه با سهمگیری در مباحثات لویه جرگه ثابت نموده است که بر مجموع موارد اشنایی مبسوط دارد و از وضع منطقه و جهان و تغییرات بین المللی وقوف زیاد داشته و عالم و عامل با قوه عالی نطق و بیان میباشد .

همچنان شاه امان اله بمتابه بزرگترین نماد نوگرایی و مدرنیته از احساس و اراده والا بخاطر تحقق اهداف ملی و متری بر خوردار است و با پیشنهاد بخاطر غیر مسوول خواندن پادشاه مخالفت مینماید .

زنده یاد داکتر بورگی در کتاب خود به نکات ظریف تاریخی نیز اشارات دارد و منجمله مکتب بر این حقیقت که برخلاف اروپا تغییرات در افغانستان از بالا و به اساس اراده حاکمان انجام میگردد و چنانچه در صفا ششم کتاب

میخوانیم که ، چگونه وکلای مردم در لویه جرگه با درج ، " تضمین ازادیهای اتباع " مخالفت مینمایند و انرا خلاف شرع میخوانند !!!

اماج این نبشته معرفی اثر ، پر ارزش زنده یاد قانونپوه داکتر بورگی میباشد و با وجودیکه نقد کتاب مطرح نیست ، امانمیخواهم در یک مورد عدم همنوایی خود را با دوست بزرگوار و همسلک و همکار دانشمند و مشفق ما ، با خواننده عزیز شریک نسازیم که در صفحه چهارم متذکر شده اند :

" ... زمونژ د هیواد اساسی قانون ، د ملت د غوشتنی او مطالبی په اساس منح ته رانگی ، بلکه دا دپادشاه یوه شاهانه هدیه وه چی اعلحضرت دا هدیه خپل ملت ته ورکوله او ملت دا هدیه مستردوله او نه بی منله "

درین ارتباط چنانچه قبلا متذکر شده ام ، باید با مسولیت تکرار نمایم که :
مردم افغانستان به شهادت تاریخ از اول با ریفورمها مخالفت نکرده اند و بی هراس از اشتباه میتوان گفت که :
هرگاه دسایس الحیل استعماری انگلیس وجود نمیداشت ، نهضت امانی و ریفورمهای وضع شده ، علی الرغم اشتباهات اراکین و مسولان تداوم میافت و افغانستان با سقوط مواجه نمیگردید .

منحیث حسن ختام ، در حالیکه مطالعه این اثر ارزشمند را در معرفی نخستین قانون اساسی به منوران و همسلکان پیشنهاده مینمایم ، برای کسانیکه با روانشاد مؤلف آشنایی ندارند ، عرض میگردد که بیوگرافی شان در اخیر کتاب وجود دارد .

به احترام به حق دوستی و آشنایی باید عرض نمایم که:

زنده یاد قانونپوه داکتر بورگی از شخصیت های نیک ، صادق و سابقه دار و حقوقدان شهیر افغانستان ، استاد فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل ، مؤلف ، مترجم و نویسنده مقالات زیاد ادبی و حقوقی میباشد که تعداد از آثار شان منحیث مواد درسی و ماخذ مورد استفاده محصلان قرارداشت .

زنده یاد بورگی شخصیت ارجمند ملی و وطندوست که در شرایط دشوار تا سال (۱۹۹۲ م) در شورای قانون اساسی و انستیتوت تحقیقاتی و علمی وزارت عدلیه مصدر خدمات شایسته بوطن گردیده است .
علاقمندان گرامی میتوانند این کتاب ارزشمند را در سایت حقوق (<http://hoqooq.eu>) و درین لینک مطالعه فرمایند:

<http://hoqooq.eu/books.htm>

با حرمت